

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نگارش: فعالان جنبش لغو کار مزدی

۱۲ اگست ۲۰۱۱

شورش بردگان مزدی عاصی، مستأصل و بی افق

چهار روز است که انگلیس می سوزد، ماجرا از محله تاتنهام لندن آغاز شد.

صدها جوان بیکار، عاصی از فشار خردکننده ستم طبقاتی، بیکاری، فقر، محرومیت، حقارت و ذلت، یأس و بی افقی، خشونت روتین پولیس و همه مصائب ناشی از وجود و حاکمیت سرمایه داری، دست به طغیان زدند. موج طغیان بسیار سریع خروشان شد. ۴۸ ساعت بعد هفت محله مهم لندن را در خود غرق کرد. همزمان به غالب شهرهای بزرگ انگلیس، به بیرمنگام، لیورپول، منچستر، نیوکاسل و جاهای دیگر چنگ انداخت. شورش کنندگان با خشم و قهر به فروشگاهها و مراکز عظیم تجاری شهر هجوم بردند، مستغلات عظیمی را طعمه حریق ساختند. یکی از واحدهای مهم صنعتی SONY را به آتش کشیدند. یک کارخانه بزرگ و قدیمی تولید مبل را در آتش سوزاندند. همه جا با پولیس وارد مصاف شدند. آن ها یک جنگ تمام عیار را در چند شهر مهم انگلیس، در اکثر محله ها، کوچه ها و خیابان ها به راه انداختند. رسانه های مهم خبری دنیا تا لحظه حاضر دستگیری حدود ۵۰۰ انسان معترض را گزارش کرده است. دولت سرمایه داری انگلیس ۱۶۰۰۰ پولیس را برای سرکوب این شورش وارد میدان جدال ساخته است. «دیوید کامرون» نخست وزیر روز سرمایه اعلام داشته است که معترضان را تسلیم بیدادگاهها خواهد کرد و برای قلع و قمع آن ها از هیچ جنایتی دریغ نخواهد ورزید.

اولین سؤال در رابطه با همه رویدادهای این ۴ روز این است که شورشیان چه کسانی هستند؟ پاسخ بسیار ساده و برای همگان شفاف است. **نفرین شدگان جهنم سرمایه داری**، انسان های داغ لعنت خورده ای که در «هفت آسمان» وحشت و دهشت نظام بردگی مزدی هیچ کورسوئی به هیچ روزنه امیدی برای داشتن نازل ترین سطح زندگی نمی بینند. همگی بیکارند و سراسر دوزخ سرمایه را زیر پای می گذارند تا با فروش تنها کالائی که دارند، بهای خورد و خوراک روزانه خویش را به دست آرند اما هیچ سرمایه داری حتی حاضر به خرید نیروی کار آن ها نیست. تنها خودشان بیکار نیستند. پدران و مادران آن ها هم در وسیع ترین سطح بیکارند. جملگی با هم ارتش عظیم بیکاران را می سازند. جمعیتی گرسنه، مفلوک، مطرود، آماج همه توهین ها و تحقیرها که سرمایه بار همه توحش ها و بربرمنشی های خود را بر سرش خراب کرده است و بودنش را فقط برای این می خواهد تا آمادگی عجزآمیز و

فلاکت بار آن ها برای یافتن یک روز کار را چماق سرکوب هر اعتراض هر کارگر شاغل، در هر کجای انگلیس، به کمی دستمزد خود سازد.

این خیل کثیر برده مزدی همگی حاشیه نشین هستند. محکوم به زندگی در حاشیه شهرهای بزرگ می باشند. حاشیه نشینی داغ لعنتی است که سرمایه بر پیشانی آن ها حک کرده است. می گوئیم بردگان مزدی، انسان هائی که نیروی کار تنها کالای مایملک آن هاست و فروش این کالا تنها شرط برخورداری آن ها از سرپناه، نان، دارو و در یک کلام زنده بودن است. وقتی که آنان بیکارند، وقتی که یگانه ساز و کار معاش آن ها خریدار ندارد، وقتی که شهریه گراف تحصیل در هیچ کالج و دانشگاهی را ندارند، وقتی که زیر بار حقارت و توهین دلیلی حتی برای اتمام تحصیلات دبیرستانی نمی بینند، وقتی که قادر به پرداخت اجاره بهای سنگین خانه های شهر نیستند، وقتی که توان یک زندگی بسیار ساده متعارف آدمیزاد را ندارند، وقتی که هیچ چیزشان مثل دیگران نیست، وقتی که «زیادی» هستند، وقتی که انسان به حساب نمی آیند، وقتی که با همه این بدبختی ها دست به گریبانند هیچ راهی سوای کوچیدن از حوزه زیست «شهروندان» در پیش پای خود نمی بینند. باید راهی جایی گردند که بهای زنده ماندن هیچ یا مقدار کمی بیش از هیچ باشد. شورشیان همگی کوچ کردگان به حواشی شهرها هستند، مجبور بوده اند به این نواحی آیند و شغلی دست و پا کنند، کنار خیابان ها غذا خرید و فروش نمایند، نوشابه بفروشند، دکه سبزی فروشی راه اندازند، وقتی که نیروی کارشان «سفید» قابل فروش نیست، آن را «سیاه» به فروش رسانند، وقتی که قادر به بیع و شرای «قانونی» نیروی کارشان نیستند، آن را ارزان تر به صورت «غیرقانونی» عرضه کنند. وقتی که سرمایه اضافه ارزش «حلال» آن ها را نمی خواهد!! ارزش اضافی های بی کران «غیرحلال» نصیب سرمایه نمایند، وقتی که سرمایه داران صاحب کارخانه و مراکز رسمی کار و تولید نیروی کارشان را نمی خرند، این کالای بی مشتری کم بها را به سرمایه داران قاچاقچی خرید و فروش مواد مخدر بفروشند.

شورشیان نفرین شدگانی هستند که سرمایه آنان را حاشیه نشین کرده است اما در اینجا نیز از سب و لعن و تیر طعنه و حمله پولیس و بازپرسی شبگرد و خانه گردی داروغه های سرمایه در امان نمی باشند. در هر رفت و آمد خود با بازخواست پولیس مواجه می گردند. اساساً متهمین مادرزاد هستند!! لازم نیست کار خلافی انجام دهند تا متهم شوند!! رنگ رخساره و تعلقات طبقاتی و اجتماعی و محل اقامت دلیل کافی داشتن همه جور اتهامات است!! بدون اثبات هیچ جرم، مجرمین فی الذات می باشند!! آنان بر همین مبنی در هر ایاب و ذهاب باید مورد تفتیش بدنی قرار گیرند. مطابق آمارهای رسمی هر کدام آن ها ۲۶ برابر یک «شهروند» عادی مورد بازپرسی و تجسس بدنی واقع می گردند.

سؤال دوم این است که وضعیت موجود زندگی و اشتغال و روزگار اجتماعی شورشیان حاشیه نشین از بطن کدام شرائط و اوضاع می جوشد؟ پاسخ این سؤال را ما در نوشته های متعدد به کرات و به صورت بسیار مشروح توضیح داده ایم. بیکاری، فقر، گرسنگی، بی خانمانی، اعتیاد، تن فروشی و هر بلیه انسانی و اجتماعی دیگر دنیای روز محصول قهری وجود، حاکمیت و استیلای نظام بردگی مزدی است. شالوده هستی این نظام بر استثمار بی مهار کارگران، تشدید هر چه موخش تر استثمار آنان، تبدیل حاصل کار و تولید توده های کارگر به سرمایه و سرمایه و باز هم سرمایه و بر ساقط کردن کارگر از هستی استوار است. این حکم قهری سرمایه است.

نکته دیگری که در همین راستا، باز هم به تفصیل تشریح کرده ایم، فاز کنونی توحش و تعرض سرمایه جهانی علیه طبقه کارگر در سطح بین المللی است. واقعیت این است که سرمایه داری بدون سازماندهی و برنامه ریزی دقیقه به دقیقه موخش ترین تعرضات علیه زندگی توده های کارگر قادر به بازتولید خود نیست. چرخ ارزش افزائی سرمایه

بدون اعمال این سببیت ها نمی چرخد و حاصل این روند چیزی است که در نقطه، نقطه دنیای سرمایه داری شاهدش هستیم. یک میلیارد انسان بیکار، سه میلیارد گرسنه محکوم به مرگ تدریجی، ۴ میلیارد انسانی که حتی مطابق محاسبات توحش بار همین نظام در زیر «خط فقر» زندگی می کنند. دو میلیارد برده مزدی فاقد آب آشامیدنی بهداشتی و هر نوع دارو و درمان، صدها میلیون انسان مبتلا به اعتیاد، جمعیت عظیم آدم هائی که برای نان روز خویش مجبور به تن فروشی هستند، همه و همه پدیده های دست پخت وجود و بقای سرمایه داری هستند. فراموش نکنیم، از دنیائی صحبت می کنیم که تولید ناخالص سالانه اش از مرز ۷۱ تریلیون دلار بالا رفته است. رقمی که اگر آن را به کل جمعیت کنونی جهان تقسیم کنیم به چیزی حدود ۱۲۰۰۰ دلار بالغ می گردد. به زبان دیگر سهم هر خانواده چهار نفری از این محصول اجتماعی کار سالانه حدود ۴۸۰۰۰ دلار است. شورشیان حاشیه نشین لندن و پاریس و نیویورک و تمامی شهرهای جهان بخش بسیار ناچیزی از جمعیت ۴ میلیاردی انسان های کارگری هستند که حصه متوسط سالانه ۲ میلیارد نفر آنها از رقم ۷۱ تریلیون دلاری محصول کار سالانه بالا فقط ۳۰۰ دلار است. سوال سوم را پیش کشیم. چرا شورشیان اینچنین می شوند؟؟!! چرا پرچم بیکار علیه این نظام را بلند نمی کنند، چرا دست بر ریشه نمی گذارند؟ چرا این برج وحشت و دهشت بنا شده بر رابطه خرید و فروش نیروی کار و تولید اضافه ارزش را به آتش نمی کشند؟ چرا این جهنم گند و خون و بربریت و سلاخی را در هم نمی کوبند. چرا فقط با نیروی پولیس درگیر می شوند؟ چرا در برخی موارد به کارهائی دست می زنند که رنگ و نشان چندان از مبارزه طبقاتی ندارد؟

به طور مثال وسائل نقلیه عمومی را آتش می زنند؟ متعرض کسانی می گردند که همسان خود آنها قربانیان مفلوک جنایات و درندگی های سرمایه داری هستند؟ پاسخ این سوال یا این لیست سوالات را نیز باید در موقعیت جنبش کارگری جهانی جست و جو نمود. جنبشی که بدبختانه زیر فشار تهاجمات سرمایه، در گرد و غبار متراکم وارونه بافی های سرمایه، در قعر سیاست پردازی ها، فرهنگ بافی ها، اندیشه پردازی ها، مذهب سالاری ها، باور مداری ها، سنت سازی ها و تمامی فرارسته های فکری، عقیدتی، اخلاقی، فرهنگی سرمایه و در زیر فشار دیکتاتوری هار و عریان، یا «قانونی» و مدنیت سالار سرمایه راه مبارزه خویش را گم کرده است. جنبشی که زمانی راه واقعی بیکار خود، راه درست مبارزه علیه اساس سرمایه داری را دنبال کرد، مانیفست کمونیسم صادر نمود، انترناسیونال بر پای داشت، پرشکوه ترین حماسه تاریخ انسان، حماسه رستاخیز کمون پاریس را سر داد. در روسیه آهنگ کندن ریشه سرمایه داری کرد و عظیم ترین جنبش شورائی کارگری را به میدان آورد. جنبشی که در دوره ای نه چندان دور و از یاد رفته چنین کرد و بر آن رفت تا کل بردگان مزدی را با دورنمای شفاف برپائی جهانی آزاد، بدون استثمار و عاری از طبقات، دولت و ستم طبقاتی در مقابل نظام بردگی مزدی به صف کند. این جنبش این کار را کرد اما چند گام این سوتر از درون اسیر تهاجمات مهلک راهبردها، چاره پردازی ها، راه حل آفرینی ها و راهکارهای رفرمیستی و سرمایه مدار و حلق آویز به سرمایه داری شد. اسیر سوسیال دموکراسی و رفرمیسم راست سندیکالیستی گردید، به اسارت اردوگاه سرمایه داری دولتی و کمونیسم بورژوائی در آمد، نمازگزار قبله ناسیونالیسم و ضدامپریالیسم خلقی شد. به بی راهه ها افتاد و در برهوت گمراهه ها فرسود و فرسود تا به وضعیت کنونی سقوط کرد. وضعیتی که در درون آن همه کار می کند و فقط یک کار را انجام نمی دهد. خود را به صورت شورائی و ضد کار مزدی و سراسری متشکل نمی سازد

طبقه کارگر جهانی گرفتار چنین وضعی است. بی افق است، بیکار روزش جریان حیات سرمایه را هدف نمی گیرد. مطالبات جاری خود را بر پایه تعرض به گلوگاه تنفسی واقعی سرمایه دنبال نمی کند، خود را شورائی سازمان نمی

دهد و سازماندهی خود را ظرف دخالتگری آگاه، نافذ، افق دار و ضد کار مزدی آحاد توده های خود نمی سازد. در تدارک اعمال قدرت سازمان یافته شورائی سراسری علیه سرمایه نیست. دورنمای شفاف برپائی سوسیالیسم را در پیش روی ندارد. طبقه کارگر در تندبیچ چنین گردابی پیچ می خورد و تا چنین است سرنوشت جنبش بخش های مختلف آن بسیار رقت بار است. جنبش سندیکالیستی، جنب و جوش سندیکاسازی، خیزش های بی افق مشتعل آسیب پذیر و آماده تبدیل به پیاده نظام سر به زیر اپوزیسیون های بورژوازی، طغیان های وسیع حلق آویز به تئوری های «ضد جهانی شدن» یا سرمایه سنیزی تا مغز استخوان رفرمیستی و غیرسوسیالیستی، راهپیمائی ها و تظاهرات میلیونی پاره وار اسیر رفرمیسم اتحادیه ئی و محکوم به شکست و بالاخره شورش های گسترده سراسری از نوع آنچه این روزها در انگلیس، چند ماه پیش در پاریس، مدتی قبل در المان، دهه گذشته در شیکاگو یا همین انگلیس و جاهای دیگر رخ داده است، کل افق و خیز این جنبش را تشکیل می دهد. وضعیتی که فاجعه بار است و پیکار برای تغییرش اساسی ترین وظیفه ای است که هر کارگر آگاه با هر میزان توان دخالتگری به دوش می کشد.

آخرین سؤال مطابق معمول این است که چه باید کرد؟ اشکال جاری مبارزه اشکال فرسایش نیرو، اشکال غوطه خوردن در ورطه گمراهی ها، اشکال منتهی به شکست و شکست و باز هم شکست است. اشکالی که بعضاً و از جمله همین شکل شورش اخیر حاشیه نشینان شهرهای انگلیس چه بسا نتیجه معکوس به بار آرد. باید دست به کار شد. باید در هر کجا که هستیم مبلغ برپائی جنبش شورائی سراسری ضد کار مزدی توده های طبقه کارگر باشیم. عملاً در فرایند این سازمانیابی و این شکل متشکل شدن کارگران گام برداریم، سخنگوی آگاه این جنبش باشیم، حرف های این جنبش را بنویسم. دست به کار یافتن فعالان این جنبش شویم، هسته های اولی فعال برای سازمانیابی این جنبش را پدید آریم و هر کار دیگری که از دستان ساخته است، انجام دهیم.